

خواستگاری از زن در زمان عده از دیدگاه امامیه و حنفیه

عظمت شاهین^۱

چکیده

در این نوشتار، دیدگاه امامیه و حنفیه در مورد خواستگاری از زن عده‌دار در ابعاد مختلف، مانند در عده وفات، طلاق باین، طلاق رجعی و خواستگاری برای نکاح موقت، بیان می‌شود. این مسئله در بعضی ابعاد بین امامیه و حنفیه مشترک بوده و دیدگاه یکسانی دارند، اما در برخی دیگر با هم اختلاف دارند. موارد اشتراکی عبارت است از: خواستگاری از زن شوهردار حرام است، خواستگاری از زنی که در عده وفات است، به صورت تعریض جایز، و به صورت تصریح، ممنوع است. خواستگاری از زنی که در ایام طلاق باین به سر می‌برد، یا زنی که ازدواج او با همسرش فسخ شده از سوی زوج تعریض و تصریح، جایز بوده، اما از طرف غیر زوج به صورت تعریض، جایز است. از موارد اختلافی در نزد امامیه، خواستگاری از زنی مطلقه رجعی در ایام عده از جانب غیر شوهر، به طور صریح و غیر صریح، حرام و ممنوع است، اما نزد حنفیه دو قول وجود دارد. برخی حرام و برخی جایز می‌دانند.

واژگان کلیدی: خواستگاری، عده، طلاق، تعریض.

۱. مقدمه

خواستگاری از زن عده‌دار، یکی از مسائل مبتلا به بانوان در کشورهای اسلامی بوده و بسیاری از زنان از حکم این مسئله آگاهی کامل ندارند، پس ضرورت دارد در این مسئله، تحقیق مستقل و جامعی در این مقاله صورت بگیرد. خواستگاری، رسمی دیرینه در میان بشر بوده که مطابق فطرت و طبیعت انسان، امری طبیعی و مقدمه‌ای مهم بر پیمان زناشویی است. در خصوص ازدواج، مرسوم است که مرد به خواستگاری زن برود، یعنی از زنی درخواست ازدواج کند. خواستگاری جایز و مشروع، شرایطی دارد که با توجه به آنها، احکام متعددی دارد. خواستگاری، یا به طور صریح و روشن است و یا به طور تعریض و کنایه. همچنین خواستگاری ممکن است توسط شوهر سابق از زن مطلقه‌اش باشد، یا از زنی که در ایام عده به سر می‌برد، همچنین ممکن است که خواستگاری

۱. دانش پژوه کارشناسی فقه اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از پاکستان.

از زنی باشد که فرد دیگری پیش از او از وی خواستگاری کرده و یا اینکه زنی از مردی خواستگاری کند. با وجود این حالات، احکام آن هم متفاوت است. در این نوشتار، خواستگاری از زن عده دار از منظر فقه امامیه و حنفیه بررسی می‌شود. فقهای امامیه و حنفیه در مراحل مختلف این مسئله، دیدگاه یکسانی دارند، اما در برخی از مسائل، اختلاف در بین آن دو فرقه دیده می‌شود. در مورد خواستگاری از زن عده دار در کتاب‌های فقهی امامیه و حنفیه بحث شده و در این زمینه چندین مقاله نیز نوشته شده است، مانند خواستگاری از زن عده دار در فقه مذاهب پنجگانه اثر دکتر اسدالله لطفی و فتح الله قربانی دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی رحمته‌الله علیه، دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی در موضوع موانع خواستگاری هم اشاره‌ای به موضوع مربوطه دارند. در این مقاله، حکم فقهی خواستگاری از زن عده دار از دیدگاه فقه مذاهب پنجگانه بررسی می‌شود. این تحقیق، حکم فقهی و تبیین ادله و اشتراکات و افتراقات خواستگاری از زن در زمان عده از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه را بررسی کرده پاسخ‌گوی این سؤالات است که ماهیت خواستگاری و عده از دیدگاه فقه اسلامی چیست؟ احکام خواستگاری از زن عده دار از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه چیست؟ اشتراکات و افتراقات حکم خواستگاری از زن عده دار در فقه امامیه و حنفیه کدام است؟

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. خواستگاری در لغت

خواستگاری در لغت، طلب، خواست، خواهش و طلب زناشویی یا به معنای پیشنهاد ازدواج است، یا تقاضای ازدواج کردن از زن یا دختر. (عمید، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵)

۲-۲. خواستگاری در اصطلاح

خواستگاری مقدمه ازدواج است، یعنی شخص می‌خواهد به طور رسمی، علاقه‌مندی خود به وصلت را بیان کند. خواستگاری و خطبه، به معنای پیشنهاد تشکیل خانواده مشترک با دختر و یا زنی است که برگزیده شده و در قرآن از آن به خطبه النساء تعبیر شده است. (بقره: ۲) خواستگاری، یعنی اینکه مرد، میل و رغبتش را برای ازدواج با زنی که خالی از موانع ازدواج است، اظهار کند. این اظهار رغبت، ممکن است توسط خود مرد یا توسط اقوام او یا دیگران انجام شود. در صورت موافقت زن یا نایب او با این تقاضا، مرحله خواستگاری انجام شده است (طهماز، ۱۴۲۰، ۴۱/۲؛ بدران، ۱۹۶۷، ۱۹/۱؛ السباعی، ۲۰۰۱، ۵۱/۱).

برای انتخاب همسر و تشکیل خانواده، ابتدا مرد به خواستگاری زن مورد نظر خود رفته و تمایل

خود را برای ازدواج با وی اعلام می‌کند، پس خواستگاری را پیشنهاد ازدواج از طرف مرد تعریف کرده‌اند که به عبارت دقیق‌تر، تقاضای مرد برای ازدواج با زنی معین و خالی از موانع شرعی است. خواستگاری، ایجابی است از سوی خواستگار یا مرد، که با پذیرش آن از سوی خواستگاری شده یا زن، وعده نکاح صورت گرفته و نامزدی تحقق می‌یابد. نامزدی یا وعده ازدواج هم توافقی است که بین زن و مرد، برای ازدواج در آینده منعقد می‌شود. بنابراین، نامزدی یک قرارداد است، ولی قراردادی جایز، که طرفین می‌توانند آن را فسخ کنند. (امامی و صفایی، ۱۳۷۴، ۳۱/۱) البته انجام خواستگاری و پذیرش طرف مقابل و تحقق پیمان مزبور، به معنای تحقق ازدواج و شروع رابطه زناشویی نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۳/۱) بلکه همچنان طرفین نسبت به یکدیگر اجنبی و نامحرم هستند. وعده ازدواج، ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند.

۳-۲. طلاق در لغت

ابن منظور در *لسان العرب* می‌نویسد: «طَلَّقَ الْمَرْأَةَ: بَيَّنَّوْنَهَا عَنْ زَوْجِهَا». راغب اصفهانی نیز در کتاب *مفردات* می‌نویسد: «الطَّلَاقُ: التَّخْلِيَةُ مِنَ الْوَثَاقِ». از این لحاظ، طلاق به معنای آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن، مفارقت و جدایی آمده است (ابن منظور، ۱۹۹۷؛ اصفهانی، ۱۴۳۰)

۴-۲. طلاق در اصطلاح فقهی

واژه طلاق در اصطلاح شرعی، یعنی ازاله قید نکاح بدون عوض با صیغه طالق و شبهه آن. طلاق، جزء ایقاعات است و جزء عقود نیست و تنها ایجاب در آن کفایت می‌کند و نیازمند قبول نیست و به توسط مرد یا وکیل مرد اجرا می‌شود. طلاق، یعنی پایان ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر که در پی آن، حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته از میان می‌رود. (نجفی، ۱۴۱۰، ۲/۳۲؛ عاملی، ۱۳۷۵، ۳۷۸/۲)

۴-۲.۱. اقسام طلاق

اول) طلاق رجعی

طلاق است که مرد می‌تواند در مدت عده، به زن رجوع کند. در طلاق رجعی، اگر مرد رجوع کند، زن باید در مدت عده از شوهرش تبعیت کرده و وظایف خود را به جا آورد؛ زیرا زنی که طلاق رجعی داده شده در حکم همسر شرعی است، تا زمانی که عده‌اش تمام شود. منظور از حق رجوع در طلاق رجعی آن است که مرد می‌تواند در مدت عده، بدون نیاز به عقد مجدد با هر لفظ یا عملی به همسر خود بفرماند که او را دوباره به همسری خود پذیرفته است مشروط بر آنکه قصد رجوع داشته باشد. از منظر قانون، شرط اساسی در برقراری مجدد رابطه زناشویی، قصد رجوع است

تا امکان سوء استفاده از زن مطلقه از بین برود. قصد رجوع آن است که مرد، اراده واقعی برای ازسرگیری رابطه زناشویی و تشکیل مجدد خانواده خود را داشته باشد و بخواهد دوباره با همسر مطلقه خود زندگی کند، پس اگر مرد قصد رجوع نداشته باشد، حتی اگر عملی انجام دهد که نشان دهنده رجوع باشد، مثل لمس کردن دست همسر یا بغل کردن وی، به صورت قانونی و بنابر نظر بیشتر فقها، رجوع واقع نشده است. (مشکینی، ۱۴۳۱، ص ۳۵۷)

دوم) طلاق باین

طلاق باین، طلاقی است که مرد در زمان عده، حق رجوع به زن را ندارد. در طلاق باین، مرد بعد از زمان عده می‌تواند دوباره با زن ازدواج کند. طلاق باین، یعنی در زمان عده، زوج حق رجوع به زوجه را ندارد و چنانچه خواستار زندگی مجدد با زوجه مطلقه‌اش باشد، باید تا انقضای مدت عده صبر کرده و بعد از آن با عقد نکاح مجدد او را به همسری درآورد. (خمینی، ۱۴۲۴، ۵۲۹/۲)

الف) انواع طلاق باین

- طلاق خلع

طلاق خلع، نوعی طلاق باین است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد، اعم از اینکه مال مزبور، عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. طلاق خلع که از نوع باین است با ایجاد شرایطی، البته از سوی زوجه، دچار تغییراتی در نوع و ماهیت می‌شود. طلاق خلع از اقسام طلاق باین بوده که ضمن آن، زوجه به دلیل کراهتی که نسبت به زوج خود دارد در مقابل مالی که به او می‌دهد از قید زوجیت رها می‌شود. زوجه می‌تواند تا قبل از طلاق خلع و حتی بعد از طلاق در مدت عده و تا قبل از انقضای آن، به بذل یا فدیة رجوع کند که در این صورت، طلاق خلع به رجعی تبدیل شده و زوج می‌تواند در زمان عده به زوجه رجوع کند. (شاهرودی، ۱۳۹۲، ۴۸۲/۳)

- طلاق مبارات

مبارات، مشتق از برأت و به معنی مفارقت است و چون زوجین به وسیله طلاق مزبور از یکدیگر مفارقت می‌کنند، طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد، ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد. شیوه و صیغه طلاق مبارات با طلاق معمولی تفاوت دارد. در طلاق مبارات، پس از آنکه زن یا وکیل او مهریه را بخشید، مرد یا وکیل او صیغه طلاق مبارات را می‌خواند. در صیغه طلاق مبارات از فعل بارت استفاده می‌شود تا مبارات بودن طلاق را نشان دهد. (خمینی، ۱۴۲۴، ۵۳۵/۲)

کند، یعنی نمی‌تواند بدون خواندن عقد، او را دوباره همسر خود کند (مشکینی، ۱۴۳۱، ص ۲۲۷).

۲-۵. عده در لغت

عده از ریشه عدد گرفته شده و به معانی مختلف مانند گروه، شمردن، مدت، سوگ زن به مرگ شوهر و ایام حیض یا طهر زن است. (عمید، ۱۳۹۶)

۲-۶. عده در اصطلاح

عده در اصطلاح فقها، یعنی تربص یا حالت انتظار شرعی که زن بعد از طلاق و زوال نکاح یا وفات، لازم است مدتی درنگ کرده، سپس شوهر دیگر اختیار کند. اموری که موجب عده می‌شوند عبارتند از: وفات، اقسام مختلف طلاق، فسخ عقد به واسطه عیب‌ها، انفساخ به مثل ارتداد یا اسلام و یا شیردادن، آمیزش اشتباهی و تمام شدن مدت یا بخشش آن در ازدواج موقت. در همه اینها غیر از وفات، شرط است که آمیزش کرده باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳۰/۳۳؛ خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۴۰۴/۲، ۳۴۵)

۲-۶-۱. انواع عده

اول، عده طلاق

همه مراجع، اگر زن عادت ماهیانه می‌بیند، بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد، باید به مقداری صبر کند که دو بار حیض ببیند و پاک شود. هنگامی که حیض سوم را دید، عده او تمام است. اگر عادت نمی‌بیند، ولی در سن زنانی است که عادت می‌بینند، باید بعد از طلاق، سه ماه عده نگه دارد. زنی که از شوهرش طلاق گرفته، باید عده نگه دارد، مگر اینکه شوهر با او نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از نه سالگی طلاقش دهد، یا زن یائسه باشد. زن در این سه صورت، بعد از طلاق می‌تواند بلافاصله شوهر کند. (خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۲، ص ۵۲۴)

دوم، عده وفات

منظور از عده وفات این است که زنی که شوهرش مرده باشد، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه. حتی زن یائسه و صغیره نیز باید عده وفات نگه دارد و اگر باردار است، باید تا هنگام وضع حمل، عده نگه دارد. اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهر، عده را ادامه دهد. امام خمینی رحمته‌الله علیه در تحریر الوسیله می‌فرماید:

عده زنی که شوهرش فوت کرده در صورتی که حامله نباشد، چهار ماه و ده روز است، صغیره باشد یا کبیره، یائسه باشد یا غیر یائسه، به او دخول شده باشد یا نه، دائمی باشد یا

منقطعه از صاحبان قره‌ها باشد یا نه و اگر حامله باشد، عده‌اش دورترین زمان از وضع حمل و مدت چهار ماه و ده روز است. (خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۳، ۳۶۰/۲)

سوم) عده مفقودالاثر

اگر مردی گم شود و غیبت او به گونه‌ای باشد که نه خبری از وی برسد و نه اثری از او ظاهر شود و مرده و زنده بودنش معلوم نباشد، چنانچه مالی از او باقی باشد که برای مخارج همسرش خرج شود، یا ولی و سرپرست دارد که عهده‌دار مخارج همسرش شود، یا کسی باشد که به طور مجانی مخارج او را عهده‌دار شود، برزن واجب است که صبر کند و انتظار بکشد و هرگز جایز نیست که ازدواج کند، تا اینکه یقین کند همسرش مرده، یا وی را طلاق داده است، اما اگر مالی از شوهرش نمانده، یا سرپرستی ندارد که خرجی او را بدهد و کسی نباشد که به طور مجانی مخارجش را بدهد، باز هم می‌تواند صبر کند، و اگر صبر نکند و بخواهد ازدواج کند، پیش حاکم شرع برود و حاکم شرع از تاریخ مراجعه، چهار سال به زن مهلت می‌دهد و در این مدت از شوهرش جست‌وجو می‌شود، چنانچه مرده یا زنده بودن او معلوم نشد، اگر مرد ولی یا وکیل دارد، حاکم به وی دستور می‌دهد که زن را طلاق دهد و اگر اقدام نکرد، او را مجبور می‌کند و اگر ولی نداشته باشد یا اقدام نکند و اجبارش هم امکان نداشته باشد، خود حاکم او را طلاق می‌دهد، سپس زن چهار ماه و ده روز عده وفات نگه می‌دارد، سپس می‌تواند ازدواج کند. (خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۳، ۳۴۰/۲)

چهارم) عده وطی بالشبهه یا عده آمیزش اشتباهی

اگر مرد غریبه‌ای با زنی به گمان اینکه عیال اوست، نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند شوهرش است، باید عده نگه دارد. مدت عده آمیزش اشتباهی مانند عده طلاق است. (خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۲، ص ۵۳۷)

۲-۷. تعریض در لغت

در کتاب فرهنگ معین، تعریض به معنای کنایه سخن گفتن و عریض کردن است و همچنین استعاره، تلویح، کنایه، اشاره، ایما، به کنایه سخن گفتن، پهن‌آوری، عریض‌سازی، گسترش، پهن کردن، عریض کردن، سخن سر بسته گفتن و به کنایه سخن گفتن آمده است. (عمید، ۱۳۹۶، معین، ۱۳۵۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷)

۲-۸. تعریض در اصطلاح

در اصطلاح، آوردن سخن به گونه‌ای است که معنای اولیه آن مورد نظر نباشد بلکه معنای ثانوی و عمیق‌تر آن که گوینده نمی‌خواهد مستقیم بگوید در نظر است. بنابراین، کلام را به گونه‌ای می‌آورد

تا در عین گفتن مطلب، صریح حرف خود را نزده باشد. تعریض، نوعی کنایه است، اما کنایه‌ای که معنای اولیه، مراد گوینده نیست، حتی اگر درست هم باشد. (عاملی، ۱۴۰۶، ۲۳۹/۵؛ محبتی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰)

۳. شرط خواستگاری

لازمه خواستگاری مشروع و قانونی، خواستگاری از دختر یا زنی است که ازدواج با او مشروع و قانونی باشد. بنابراین، خواستگاری هنگامی صحیح است که ازدواج با او حرام نباشد. در صورتی که ازدواج با زنی حرام باشد، خواستگاری از او نیز حرام و ممنوع است، خواه حرمت دائمی باشد مانند حرمت ازدواج با عمه و خاله، یا حرمت موقت، مانند حرمت ازدواج با خواهر زن پیش از آنکه نکاح خواهر قبلی منحل شده باشد. از مفهوم آیه «ولا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبه النساء؛ در سخنانی که هنگام خواستگاری زن‌هایی که در عده وفاتند، بدون صراحت گویند» (بقره: ۲۳۵) حرمت تصریح به خواستگاری در عده وفات از زنانی که شوهر آنها وفات یافته، استفاده می‌شود. پس به طریق اولی، خواستگاری از زنی که شوهر دارد و همچنین از زنانی که در عده طلاق رجعی به سر می‌برند، حرام است؛ زیرا مطلقه رجعی در زمان عده در حکم زوجه است و هنوز علقه زوجیت به طور کامل از بین نرفته و به این علت است که زوجین در ایام عده از یکدیگر ارث می‌برند و بر مرد واجب است تا مسکن و نفقه زن را تضمین و تأمین کند و شوهر سابق، حق رجوع به همسر مطلقه خود را دارد. در قرآن کریم هم خداوند متعال می‌فرماید: «و بعولتهن احق بردهن فی ذلک؛ و شوهرانشان به بازگرداندن آنها سزاوارترند» (بقره: ۲۲۸).

۴. انواع خواستگاری

۴-۱. خواستگاری صریح

در این خواستگاری، مرد با خانواده زن از کلماتی استفاده می‌کند که به طور مستقیم و صریح و بدون کنایه از زن تقاضای ازدواج کرده و هیچ‌گونه کلام مبهمی به کار نمی‌برد. برای مثال مرد به زن می‌گوید: «من می‌خواهم با شما ازدواج کنم».

۴-۲. خواستگاری به صورت تعریض یا کنایه

در این خواستگاری، مرد و خانواده او، از خانواده زن یا از خود زن با کلماتی که غیر مستقیم یا کنایه‌وار است، مقصود خود را می‌رسانند. برای مثال مرد به زن می‌گوید: «من به تو علاقه مند هستم». این نوشتار در مورد خواستگاری از زن عده دار از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه است.

۳-۴. خواستگاری از زن عده‌دار از دیدگاه فقهای امامیه و دلایل آن

۱-۳-۴. خواستگاری از زن شوهردار و مطلقه رجعی

جمهور فقهای مذاهب اسلامی، خواستگاری از همسر دیگری را حرام و ممنوع می‌دانند؛ زیرا آبرو و ناموس مسلمان، مانند جان و مال وی محترم است. (نجفی، ۱۴۰۱، ۱۱۹/۳۰) به همین دلیل هیچ دینداری چنین اقدام و تعریض ناروایی را به ناموس خویش روا نمی‌کند. همچنین زن مطلقه رجعی در زمان عده در حکم زوجه است. بر این اساس، فقها بر حرمت خواستگاری مرد اجنبی از چنین زنی اتفاق نظر دارند. خواستگاری دیگران در عده طلاق رجعی با حق شوهر منافات دارد (نجفی، ۱۴۰۱، ۱۱۹/۳۰).

۲-۳-۴. خواستگاری از زن عده‌دار در طلاق باین

در طلاق سوم زوجه، زن به طور موقت بر شوهر قبلی حرام بوده و عقد نکاح در بین آنها حرام است، مگر اینکه زن، محله باشد، آن‌گاه می‌تواند با شوهر قبلی ازدواج کند. خواستگاری از چنین زنی در ایام عده به صورت تصریح از سوی هر مردی، حرام و ممنوع است، چه شوهر قبلی باشد و چه مرد دیگر و خواستگاری به صورت تعریض جایز است. دلیل این منع، آیه ۲۳۵ سوره بقره است، اگرچه مفهوم و منطوق آیه عده وفات است، اما فقهای اسلام آن را از این خصوصیت خارج کردند و از آیه، عموم را استفاده می‌کنند. (نجفی، ۱۴۰۱، ۱۲۰/۳۰) محقق حلی در این زمینه می‌فرماید:

آن زن که شوهرش او را سه بار طلاق داده، بر شوهر، حرام ابدی نمی‌شود بلکه بر آن مرد حرام موقت است. مادامی که زن سه طلاقه با مرد دیگری ازدواج می‌کند، حرمت موقت برای او از بین رفته و شوهر قبلی می‌تواند دوباره از او خواستگاری کند و غیر از شوهر قبلی نیز می‌تواند خواستگاری کند. (حلی، ۱۴۸۱، ۵۲۶/۱)

محقق حلی در علت جواز خواستگاری از زن صاحب عده طلاق رجعی و عده طلاق باین، به صورت تصریح می‌گوید: «زیرا در این هنگام زن در حکم زوجه برای شوهرش می‌شود» (حلی، ۱۴۸۱، ۵۲۶/۱). اگر زنی توسط طلاق خلع از شوهرش جدا شده باشد، عده آن زن، عده طلاق باین است. در طلاق باین، شوهر برای بازگشت به زندگی مشترک منتظر بماند تا عده طلاق تمام شود. بعد از اتمام عده، می‌تواند دوباره با آن زن نکاح کند، پس در زمان عده، شوهر سابق می‌تواند به صورت صریح یا کنایه از زوجه مطلقه خواستگاری کند، اما بیگانه در این دوران نمی‌تواند به صورت تصریح از وی خواستگاری کند، البته بیگانه هم می‌تواند به صورت تعریض و کنایه از آن زن خواستگاری کند (نجفی، ۱۴۰۱، ۲۰/۳۰).

۴-۳-۳. خواستگاری از زن مطلقه در ایام عده و عده وفات

خواستگاری از زن مطلقه را می‌توان به دو صورت تبیین کرد. خواستگاری به صورت تصریح و خواستگاری به صورت کنایه یا تعریض. در این دو صورت، حکم خواستگاری مطابق با طلاق رجعی و باین فرق دارد؛ زیرا به لحاظ شرعی و قانونی، خواستگاری از زنی که در عده رجعی است با تصریح یا با کنایه، حرام است؛ زیرا زنی که در عده رجعی است، هنوز در حکم زوجه است، ولی اگر آن زن در عده باین باشد، هر چند خواستگاری از وی با تصریح جایز نیست، ولی به طور تعریض و با اشاره اشکالی ندارد. زنی که شوهرش فوت کرده باشد، باید به مدت چهار ماه و ده روز از زمان فوت همسرش عده نگه دارد، پس به منظور حفظ احترام شوهر سابق، خواستگاری صریح از چنین زنی در دوران عده ممنوع است، ولی با توجه به آیه ۲۳۵ سوره بقره، خواستگاری به صورت تعریض یا کنایه از چنین زنی فاقد نهی و منع است. (نجفی، ۱۴۰۱، ۱۲۳/۳۰) مرحوم علامه محمد کاظم طباطبایی می‌فرماید: «لایجوز التزویج فی عده الغیر دواماً أو متعة سواء كانت عده الطلاق بائنة أو رجعية أو عده الوفاة أو عده و طی الشبهة» (طباطبایی، ۱۴۰۹، ۸۱۷/۲). ازدواج دائم یا موقت با زنی که در عده دیگری است، چه عده طلاق باین، طلاق رجعی، عده وفات یا عده وطی به شبهه، جایز نیست. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «در این تحریم فرق نمی‌کند، زن در عده با همسر اولش عقد دائم یا موقت داشته است» (خمینی رحمته الله علیه، ۱۴۰۴، ۲۸۱/۲). مرحوم سید محمد رضا گلپایگانی و سید حسن امامی می‌فرمایند:

به لحاظ شرعی و قانونی، خواستگاری از زنی که در عده رجعی است با تصریح یا با کنایه، حرام است؛ زیرا زنی که در عده رجعی است، هنوز در حکم زوجه است، ولی اگر آن زن در عده باین باشد، هر چند خواستگاری از وی با تصریح جایز نیست، ولی به طور تعریض و با اشاره، اشکالی ندارد. (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ۲۵۶/۲؛ امامی، بی تا، ۲۷۰/۴)

۴-۳-۴. خواستگاری از نامزد دیگر

در مذهب امامیه در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. جمعی از فقها از جمله شیخ طوسی و شهید اول، خواستگاری از زنی که مرد مسلمانی از او خواستگاری کرده و مورد موافقت قرار گرفته است، حرام و ممنوع دانسته‌اند؛ زیرا هم روایاتی در حرمت این نوع خواستگاری وجود دارند و هم اینکه چنین خواستگاری، موجب آزار و اذیت و باعث دشمنی می‌شود. عده‌ای دیگر، مانند شهید ثانی و محقق حلی، چنین خواستگاری را مکروه دانسته و در تحلیل نظر خود آورده‌اند: اصل بر عدم حرمت است، به علاوه اینکه وعده ازدواج، علقه‌ای بین زن و مرد ایجاد نمی‌کند، پس همان طور که طرفین حق برهم زدن نامزدی را دارند، خواستگاری دیگران نیز بلامانع است. هر چند روایات این

باب، ظهور در حرمت دارند، ولی سند روایات مذکور ضعیف است. (فخرالمحققین، ۱۳۸۹، ۳/۱۰؛ عاملی، ۱۴۰۶، ۲۴۲/۵) در مورد خواستگاری از زنی که مرد دیگری از او خواستگاری کرده، ولی هنوز آن زن یا ولی او جوابی نداده‌اند، بیشتر فقها نظر به جواز داده‌اند (عاملی، ۱۴۰۶، ۲۴۲/۵)؛ زیرا اصل بر حرمت و عدم تحریم است و احادیثی که دلالت بر منع دارند، به لحاظ ضعف سندی، توانایی برهم زدن اصل جواز را ندارند، همچنین صرف پذیرش خواستگار و وعده ازدواج، هیچ علقه‌ای بین زن و مرد ایجاد نمی‌کند. در فقه امامیه، به استناد فعل پیامبر ﷺ که فاطمه بنت قیس را برای اسامه بن زید خواستگاری کرد با وجود آنکه پیش از آن، معاویه و ابوجهل از او خواستگاری کرده بودند، اما آن زن موافقت خود را اعلام نکرده بود، این حالت از خواستگاری را جایز دانسته‌اند (حلی، ۱۴۸۱، ۲/۵۷۰).

۴-۳-۵. خواستگاری از انواع زن‌ها

جمهور فقها می‌گویند که خواستگاری، جایز و مستحب است، اما در حالات معینی حرام می‌شود. طبق فقه‌های امامیه، خواستگاری زمینه مناسب برای آغاز زندگی زناشویی است. علامه حلی در تذکره الفقها می‌فرماید: «خلاصه کلام ایشان این است که خواستگاری، شقوق گوناگونی دارد».

- خواستگاری از زنی که خالی از نگاه و عده است، تصریح و تعریض هر دو جایز است؛
- خواستگاری از زن شوهردار، تعریض و تصریح هر دو ممنوع و حرام است؛
- خواستگاری از زنی که مطلقه است و در ایام عده به سر می‌برد از جانب غیر شوهر، به صورت صریح و کنایه، حرام و ممنوع است؛
- خواستگاری از زنی که در عده سه طلاقه است از سوی زوج، به صورت کنایه و تعریض جایز است، اما به صورت تصریح، زوج و دیگران حق خواستگاری از این زن را ندارند؛
- خواستگاری از زنی که در عده وفات است، به صورت تعریض، جایز و به صورت تصریح، ممنوع است؛
- خواستگاری از زنی که در ایام طلاق باین به سر می‌برد، یا زنی که ازدواج او با همسرش فسخ شده باشد از سوی زوج، تعریض و تصریح جایز است، اما از طرف غیر زوج به صورت تعریض جایز است؛
- خواستگاری از زنی که به علت لعان یا علت دیگر در ایام عده به سر می‌برد، به صورت صریح و کنایه از سوی زوج حرام است. (حلی، ۱۴۰۴، ۲/۵۷۲)

۵. ادله خواستگاری

۵-۱. خواستگاری در قرآن

خواستگاری در قرآن و سنت پیامبر ﷺ مشروع است. خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنَّكُمْ سِتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَا كُنْ لَكُمْ تَوَاعِدُهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ.

در سخنانی که هنگام خواستگاری زن‌ها بدون صراحت و وضوح گویند یا قصد ازدواج با آنان را در دل پنهان دارید، گناهی بر شما نیست. خدا می داند که شما به زودی آنان را [یاد خواهید کرد، ولی با آنان در پنهانی و خلوت قرارداد ازدواج نگذارید، جز آنکه گفتاری پسندیده بگویید و هرگز تصمیم بستن عقد ازدواج نگیرید تا عده وفات به پایان رسد و بدانید که خدا آنچه در دل دارید می داند. بنابراین از او بپرهیزید و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (بقره: ۲۳۵)

در آیه دیگر آمد:

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَنْكِحَكَ إِخْدَى ابْنَتِي هَتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي تَمَنِي حِجَّاجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتِ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ.

گفت، می خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو درآورم، به شرط آنکه هشت سال اجیر من باشی و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش با خودت است و من نمی خواهم بر تو سخت گیرم و به خواست خدا مرا از شایستگان خواهی یافت. (قصص: ۲۷)

۵-۲. خواستگاری در سنت

در روایات آمده:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ إِلَىٰ قَوْلِهِ إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا فَقَالَ ع لَا يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَخْطُبَ الْمَرْأَةَ فِي عَدَّتِهَا.

از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده امام در مورد این فرمان خدا که فرمود: «سزاوار نیست برای مرد که از زنی خواستگاری کند که آن زن در عده باشد» بیان نمود، یعنی سزاوار نیست مرد از زن در دوران عده خواستگاری کند. (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۰۳)

در قرآن کریم بیان شده است: «والمحصنات من النساء الا ماملکت ایمانکم کتاب الله علیکم وأحل لکم ماوراء ذلکم. زنان شوهردار بر شما حرام است به جز کنیزانی که مالک آنها شده‌اید. این حکم خدا بر شماست و آنچه غیر این باشد، برای شما حلال است.» (نساء: ۲۴) از امام صادق عليه السلام

نقل شده: «عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی المحصنات من النساء الا ما ملکتم ایمانکم قال: هن ذوات الازواج؛ امام صادق علیه السلام در مورد محصنات در آیه فوق فرمود: منظور زنان شوهردار هستند» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۳۴۰/۱۰۰). اگر ازدواج با علم مرد و زن به عده و حرمت واقع شود، چه دخول انجام شود یا نشود، حرمت ابدی بین زن و مرد واقع می‌شود و باید از هم جدا شوند. حلی به نقل از امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اذا تزوج الرجل المرأة فی عدتها و دخل بها لم تحل له ابداً عالماً کان أو جاهلاً و ان لم یدخل بها حلت للجاهل ولم تحل للاخر.

اگر مردی با زنی در عده ازدواج کند در صورت علم به حرمت یا جهل به آن، حرمت ابدی بین زن و مرد ایجاد می‌شود و در صورت عدم ازدواج، اگر عقد از روی علم واقع شود، حرمت ابدی محقق می‌شود، اما در صورت جهل به حرمت عقد، حرمت ابدی محقق نخواهد شد. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۴۵۰/۲۰)

در روایت دیگر آمده:

عن اسحاق بن عمار قال قلت لابی ابراهیم علیه السلام بلغنا عن ابیک أن الرجل اذا تزوج المرأة فی عدتها لم تحل له ابداً فقال هذا اذا کان عالماً فاذا کان جاهلاً فارقتها و تعتدتم یتزوجها نکاحاً جدیداً.

اسحاق بن عمار به امام کاظم علیه السلام می‌گوید از قول پدرتان برای ما نقل شده اگر مردی با زنی در عده ازدواج کند، بر او حرام ابدی می‌شود. امام فرمود: «این حکم در مورد کسی است که عالم (به حکم و موضوع) باشد، اما اگر جاهل بود از زن جدا می‌شود و پس از اتمام عده، زن می‌تواند با وی دوباره ازدواج کند». (حرعاملی، ۱۳۷۵، ۴۵۳/۲۰)

عن عبدالرحمن بن الحجاج عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن الرجل یتزوج المرأة فی عدتها بجهالة أهی ممن لا تحل له ابداً؟ فقال علیه السلام: لا اما اذا کان بجهالة فلیتزوجها بعد ما تنقضی عدتها و قد یعذر الناس فی الجهالة بما هو أعظم من ذلك فقلت بای الجهالتین یعذر بجهالته أن ذلك محرم علیه أم بجهالته أنها فی عده؟ فقال علیه السلام: إحدى الجهالتین أهون من الاخری الجهالة بأن الله حرم ذلك علیه و ذلك بأنه لا یقدر علی الاحتیاط معها فقلت: و هو فی الاخری معذور؟ قال علیه السلام: نعم اذا انقضت عدتها فهو معذور فی أن یتزوجها فقلت: فان کان احدهما متعمداً والاخر بجهل؟ فقال علیه السلام: الذی تعمّد لا یحل له أن یرجع الی صاحبه ابداً.

عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که از روی جهالت با زنی در عده ازدواج می‌کند. آیا زن و مرد حرام ابدی می‌شوند؟ امام فرمود خیر، اگر از روی جهالت بوده، بعد از پایان عده می‌تواند با وی ازدواج کند و مردم در موارد جهالت، حتی در مسائلی بزرگ‌تر از این مسئله، معذور هستند. راوی می‌گوید: «بر اساس کدام یک از دو

جهالت معذور است، جهالت نسبت به حکم تحریم یا جهالت نسبت به در عده بودن زن؟ امام فرمود یکی از دو جهالت از دیگری آسان تر است. در جهل نسبت به حکم، قادر به احتیاط نیست. راوی می گوید این فرد در جهالت دیگر معذور است؟ امام فرمود بله، پس از اتمام عده زن، مرد می تواند با وی ازدواج کند. راوی می گوید اگر یکی از زن و مرد از روی عمد و دیگری از روی جهالت، اقدام به چنین ازدواجی کند حکمش چیست؟ امام می فرماید: «کسی که از روی عمد چنین کاری کرده، هرگز حق رجوع به دیگری را ندارد». (حرعاملی، ۱۳۷۵، ص ۴۵۱)

۶. خواستگاری از زن عده دار از دیدگاه فقهای حنفیه و ادله آن

فقهای حنفیه، نسبت به خواستگاری از زن عده دار در برخی از شقوق با امامیه دیدگاه یکسانی دارند، اما در برخی دیگر شقوق، این دو فرقه با هم اختلاف نظر دارند.

۶-۱. خواستگاری از شوهر دار و مطلقه رجعی

جمهور فقهای مذاهب اسلامی، خواستگاری از همسر دیگری را حرام و ممنوع می دانند؛ زیرا آبرو و ناموس مسلمان، مانند جان و مال وی محترم است. فقهای حنفیه نیز در مورد این بحث در برخی از شقوق با امامیه متحد بوده و نظر یکسانی دارند، اما در برخی دیگر از شقوق، دیدگاه ویژه ای نیز دارند. در این نوع از خواستگاری، دیدگاه فقهای حنفیه دو صورت است. برخی با امامیه یکی هستند. آنها همچنین خواستگاری را ممنوع و حرام می دانند، چه به صورت تعریض باشد و چه به صورت تصریح، هر دو صورت را حرام می دانند. (بدران، ۱۹۶۷، ص ۲۰) برخی دیگر، تعریض به خواستگاری از چنین زنی را جایز می دانند (حصیری، ۱۴۰۶، ۳۵/۱). برخی دیگر، این نوع خواستگاری را حرام دانسته و می گویند که حق زوج، مانع از خواستگاری دیگران است.

۶-۲. خواستگاری از زن عده دار در طلاق باین

فقهای حنفیه در این مسئله با فقهای امامیه متحد بوده و دیدگاه یکسانی دارند، اما حصری در کتاب *النکاح و القضاة* دیدگاه ویژه ای دارد. وی می فرماید:

خواستگاری شوهر از همسرش که در عده طلاق باین به سر می برد، به صورت تصریح جایز است، اما برای غیر شوهر، به صورت تعریض و کنایه جایز بوده و نمی تواند غیر شوهر به صورت تصریح از آن زن خواستگاری کند. (حصیری، ۱۴۰۶، ۳۵/۱)

۶-۳. خواستگاری در عده وفات

فقهای حنفیه معتقدند که آیه ۲۳۵ سوره بقره در مقام بیان عده وفات است؛ زیرا پیش از این آیه،

سخن در مورد زنانی است که شوهرشان فوت کرده است. در قرآن آمده:

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید همسران، چهار ماه و ده روز انتظار برند، پس چون به پایان مدتشان رسیدند در آنچه درباره خودشان به طور شایسته و متعارف انجام دهند، بر شما گناهی نیست و خدا از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

۴-۶. خواستگاری از نامزد دیگر

در فقه حنفیه به استناد برخی روایات نبوی، خواستگاری از زنی که توسط مرد دیگر خواستگاری شده و آن زن موافقت خود را اعلام کرده، حرام و ممنوع است. در روایتی از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «مؤمن، برادر مؤمن است و حلال نیست که در معامله برادر مؤمنش وارد شود و همچنین حلال نیست از زنی که برادر دینی او خواستگاری کرده، خواستگاری کند، مگر اینکه او به هم بزند». رسول خدا صلی الله علیه و آله در جای دیگری فرماید: «هیچ یک از شما، زنی را که مرد دیگری از او خواستگاری کرده، خواستگاری نکنید تا اینکه از ازدواج منصرف شود» (زحیلی، ۱۴۱۸، ۹/۶۵۰۰). به نظر می‌رسد ادله امامیه، قوی‌تر باشد؛ زیرا خواستگاری بر این آنها تنها وعده ازدواج است و اصل، بر اباحه است و جواز خواستگاری با آزادی اراده طرفین بیشتر سازگار است و مادامی که عقد نکاح بین طرفین منعقد نشده، طرفین در انتخاب همسر آزاد هستند.

۷. نتیجه‌گیری

خواستگاری، امری عادی در فقه اسلامی بوده که مستحب است. هر مردی می‌تواند از زنی خواستگاری کند، اما برخی اوقات مرد نمی‌تواند از زن خواستگاری کند، چه به صورت تعریض باشد و چه به صورت تصریح؛ زیرا برای خواستگاری موانعی وجود دارد. فقه اسلامی، خواستگاری را جایز و مستحب قرار داده به شرط اینکه موانع خواستگاری وجود نداشته باشد. در این نوشتار انواع گوناگون خواستگاری از زن عده دار از دیدگاه فقهای امامیه و حنفیه بررسی شد. فقهای امامیه و حنفیه نسبت به خواستگاری از زن مطلقه و عده دار در برخی از شقوق متحد بوده و دیدگاه یکسانی دارند، اما در برخی دیگر با هم اختلاف دارند. محتوای این نوشتار، به دو گفتار تقسیم شده است. در گفتار اول، دیدگاه امامیه و ادله آن و در گفتار دوم، دیدگاه فقهای حنفیه و ادله آن بیان شده است. همچنین اشاره‌ای به مباحث اشتراک و افتراق هم شده است. مباحث اشتراکی عبارت است از: خواستگاری زن شوهردار به عقد دائم یا موقت نه اشاره و نه تصریح به ازدواج جایز نیست،

هرچند اشاره و یا تصریح را معلق بر زمان جدا شدن از شوهر کند. زنی که در عده باین، مانند خلع، وفات، فسخ و... به سر می برد، اشاره برای همسر سابق، غیر از عده وفات که همسر سابق وجود ندارد و غیر او اشکال ندارد، ولی تصریح به ازدواج، فقط از طرف شوهر سابق جایز است. از موارد اختلافی می توان گفت که در نزد امامیه، خواستگاری از زن مطلقه رجعی در ایام عده از جانب غیر شوهر، به صورت صریح و با کنایه، حرام و ممنوع است، اما نزد حنفیه دو قول وجود دارد، برخی حرام، و برخی جایز می دانند. پاسخ دادن زن نیز تابع احکام پیشنهاد خواستگار است.

به لحاظ اهمیت و حساسیت خواستگاری، سزاوار است در خصوص حکم و قلمرو، نظر به همسر آینده، مانند نگاه کردن به اندام زنی که قصد ازدواج با وی است، به طور مشخص و مدون، اطلاع رسانی مناسب صورت گیرد تا محدوده شرعی روشن شود و راه بر سوء استفاده یا برداشت های ناروا مسدود شود. موانع خواستگاری که در فقه بحث شده و به آن توجه شده، به طور مجمل و گذرا به آن اشاره شده و لازم است حقوق دانان به این مهم توجه بیشتری کنند و مناسب است این موارد به صورت مشخص در قانون احصاء شده و ضمانت اجرای آن نیز بیان شود.

چون خواستگاری از نامزد دیگری و زنی که تقاضای ازدواج دیگری را پذیرفته، به لحاظ رعایت حق دیگری ممنوع است، مناسب است که این مورد از جمله موانع خواستگاری باشد، همچنین خواستگاری ضرر آمیز که در جامعه کنونی مورد ابتلا است و به جهت قباحت آن و تعرض به حریم خصوصی افراد و مشتمل بودن بر ایذاء و مزاحمت، برخلاف دیدگاه شریعت اسلامی است، مناسب است که در ردیف موارد منع خواستگاری باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲. ابن منظور الافریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۹۹۷). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. ابو ظهره، محمد (۱۹۳۶). الاحوال الشخصية. قاهره: دار الفكر العربی.
۴. احکام خانواده (۱۳۷۵). مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه. نرم افزار گنجینه معارف.
۵. اصفهانی، راغب (۲۰۰۹). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دار القلم.
۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۳). تحریر الوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. امامی، اسدالله، صفایی، سیدحسین (۱۳۷۴). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
۸. امامی، سیدحسن (بی تا). حقوق مدنی. جلد ۴. تهران: انتشارات امامیه.
۹. بدران، ابوالعینین (۱۹۶۷). الفقه المقارن لاحوال الشخصية. بیروت: دار النهضه العربیه.
۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حصیری، احمد (۱۴۰۶). النکاح والقضایا. مصر: مکتبه کلیات الزهریه.
۱۲. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۸۱). شرایع الاسلام. نجف: مطبعه الآداب.

۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴). تذکره الفقهاء. قم: منشورات الرضى.
۱۴. خمینی، روح الله (۱۴۰۴). تحریر الوسیله. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). الفقه الاسلامی وادلتہ. دمشق: دارالفکر المعاصر.
۱۷. السباعی، مصطفی (۲۰۰۱). شرح قانون الاحوال الشخصیه. عمان: دارالوراق للنشر و التوزیع.
۱۸. شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۲). دایرة المعارف فقه اسلامی. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۱۹. شلبی، محمد مصطفی (۱۳۷۰). احکام الاسره فی الاسلام. بیروت: دار النهضه العربیه.
۲۰. صابونی، عبد الرحمن (۱۹۷۹). الاحوال الشخصیه السوری فی الزواج والطلاق. دمشق: دارالفکر العربی.
۲۱. طباطبائی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹). العروه الوثقی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۲. طهمازی، عبد الحمید (۱۴۲۰). الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید. دمشق: دار القلم.
۲۳. عاملی، زین الدین (۱۴۰۶). الروضه البهیة فی شرح اللمعه لدمشقیه. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۴. عمید، حسن (۱۳۹۶). فرهنگ عمید. کتابخانه الیکترونیکی امین.
۲۵. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۹). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: متبوعات اسماعیلیان.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹). مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۹. محبتی، مهدی (۱۳۸۶). بدیع نوهنر ساخت و آرایش سخن. تهران: سخن زبان.
۳۰. محمد جمال الدین محمد عاملی (۱۳۷۵). المعه الدمشقیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۱. مشکینی، علی (۱۴۳۱). مصطلحات الفقه واصطلاحات الاصول. بی تا، بی نا.
۳۲. معین، محمد (۱۳۵۰). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.